

رقابت قدرت‌ها در خلیج فارس

● مریم شاه‌حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، مطالعات خلیج فارس، دانشگاه تهران



■ خلیج فارس

■ نویسنده: مینو میرزایی

■ مترجم: سراج زاهدی

■ ناشر: مؤسسه فرهنگی - هنری طاهر، خلیج فارس؛ چاپ اول: ۱۳۸۷؛

۲۹۲ صفحه.

خلیج فارس از جمله معابر مهم بازرگانی و تجاری جهان بوده و به همین جهت در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های سیاسی قرار می‌گرفت. از حدود قرن شانزدهم میلادی، این منطقه، به میدانی برای رقابت کشورهای غربی هم چون پرتغال، هلند و انگلیس تبدیل شد؛ از این میان انگلستان، حدود صد و پنجاه سال قدرت برتر منطقه بود تا اینکه در اوایل قرن نوزدهم، با اکتشاف نفت در خلیج فارس حضور آمریکا را به عنوان رقیب اصلی انگلستان شاهدیم که به تدریج بر مهم‌ترین ذخایر نفتی منطقه مسلط شدند. در این شرایط، انگلیس برای حفظ نفوذ و سلطه‌ی خود در بین شیوخ عرب منطقه، سیاست ایرانی‌زدایی را در پیش گرفت که نمونه‌ی آن؛ رایج نمودن اصطلاح جعلی «خلیج عربی» بود که مورد توجه شیوخ عرب قرار گرفت. در حال حاضر، لازم است ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را در منطقه دارا است؛ در حفظ و صیانت نام تاریخی خلیج فارس بکوشد. اما آنچه مطرح است اینکه عدم شناخت و آگاهی کلی مردم ایران از نواحی جنوبی کشور؛ بسیار تأسف برانگیز بوده لذا محققان و نویسندگان سعی در شناساندن این منطقه به مردم و بالأخص جوانان داشته‌اند که نمونه‌ی آن کتاب «خلیج فارس» می‌باشد که به نقد و معرفی آن می‌پردازیم.

کتاب حاضر کتابی است عمومی که به شیوه‌ی دایره‌المعارف، به جنبه‌های مهم منطقه‌ی خلیج فارس به لحاظ تاریخی و اقتصادی و تجاری و جغرافیایی پرداخته و از شرح و توضیح زیاد، خودداری کرده است. این اثر به دو زبان فارسی و انگلیسی تألیف شده و در نتیجه طیف وسیعی از مخاطبان می‌توانند از مطالب آن بهره‌مند شوند. به علاوه دارای تصاویر بسیار جالبی از نواحی جنوب ایران می‌باشد که خواننده را در درک بهتر مفاهیم یاری می‌دهد. نویسنده در پایان هر فصل تصویری جالب از موضوع فصل بعدی آورده است تا به کمک آن، ذهن مخاطب را به مطالب آن جلب کند. (صفحه ۶۶)

کتاب مشتمل بر نه فصل بوده که در فصل اول، تاریخچه‌ی خلیج فارس آمده است؛ در ابتدا نویسنده ساختار زمین‌شناسی و وضعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه را توصیف نموده و با استناد به منابع تاریخی، به اثبات نام خلیج فارس پرداخته است. سپس به طور کروئولوژیک، درباره‌ی اهمیت منطقه و موقعیت خاص آن در طول تاریخ؛ از زمان عیلامیان تا اواخر قاجاریه اطلاعات ارزنده‌ای را ارائه نمود. ۵۱-۱۱

نویسنده نقشه‌های جالبی را از وسعت قلمرو پادشاهی‌های عهد باستان آورده تا مخاطب دید کلی از محدوده‌ی سرزمینی ایران پیش از اسلام به دست آورد. همچنین در ادامه، از حضور قدرت‌های اروپایی در خلیج فارس سخن گفته اما ترتیب تاریخی را رعایت نکرده و ابتدا حضور هلندی‌ها و بعد انگلیسی‌ها و در آخر پرتغالی‌ها را شرح داده در حالی که پرتغال اولین قدرت اروپایی بود که به بهانه‌ی مذهب و برای به دست آوردن شریان تجاری منطقه وارد آن شده بود. او در ادامه به طور خلاصه و سطحی، فضای حاکم بر ایران عصر قاجار و چگونگی نفوذ قدرت‌ها و عملکرد حکومت مرکزی ایران را در مواجهه با آن‌ها توصیف نموده است. مهم‌ترین نقص این کتاب، عدم ارائه‌ی اطلاعات کافی درباره‌ی منابع و مآخذ استفاده شده در آن می‌باشد، در این اثر، از هفت منبع استفاده شده ولی این منابع؛ به طور کامل به خواننده معرفی نشده است و در فصول بعدی نیز، ارجاعی به منابع دیده نمی‌شود لذا می‌توان گفت که اصول ارجاع نویسی در این اثر رعایت نشده است. (صفحه ۴۹)

فصل دوم در بردارنده‌ی نقشه‌های دریانوردی جهان می‌باشد که نویسنده سعی داشته تا با استناد به منابع دست اول، جعلی بودن نام خلیج عربی را اثبات کند و از این جهت، حائز اهمیت می‌باشد اما نام مکان‌ها در نقشه‌های ارائه شده چندان واضح نبوده و کیفیت لازم را ندارد؛ ضعف دیگر آن، این است که نویسنده توضیحی در مورد مکان‌ها و نام جدید آن بیان نکرده است. نکته‌ی دیگر اینکه عنوان فصل «خلیج فارس از آغاز نخستین تمدن‌ها»، با محتوای فصل هماهنگی نداشته و تا حد زیادی ابهام دارد. ۶۵-۵۲

فصل سوم این کتاب، اطلاعات جامعی را درباره‌ی تاریخچه‌ی نفت و چگونگی کشف و استخراج آن در منطقه و نیز چگونگی رشد و توسعه‌ی صنعت نفت ایران به دست می‌دهد. در ادامه، از میزان ذخایر نفتی ایران و پالایشگاه‌های تأسیس شده در نواحی جنوبی، سخن گفته و در مواردی به لحاظ اهمیت برخی پالایشگاه‌ها، مطالبی را درباره‌ی تاریخچه‌ی آن‌ها و میزان ظرفیتشان ارائه داده است. در پایان فصل، ذخایر گازی منطقه؛ به عنوان دومین منبع مهم انرژی معرفی شده و درباره‌ی آن توضیحاتی آمده است. همچنین تصاویر جالبی، از نحوه‌ی حمل و نقل نفت در گذشته و یا سکوهایی استخراج نفت و گاز در ایران ارائه شده است. ۱۱۷-۶۶

فصل هفتم این اثر، حاوی مطالب کلی از جزایر خلیج فارس و موقعیت جغرافیایی آن‌ها بوده و جاذبه‌های طبیعی و گردشگری و تاریخی آن‌ها را شرح داده و اطلاعاتی را درباره‌ی نام‌های قدیم جزایر ارائه نموده است. به علاوه، دو نقشه‌ی موجود در این فصل، خواننده را به خوبی در شناخت موقعیت جزایر جنوب یاری می‌دهد. ۲۰۳-۱۶۰

در فصل هشتم نویسنده بنادر خلیج فارس را به ترتیب اهمیت آن‌ها معرفی نموده و از این جهت که اسامی بنادر جنوب را آورده، حائز اهمیت می‌باشد؛ همچنین توضیح مختصری درباره‌ی بناهای تاریخی و جاذبه‌های طبیعی‌شان ارائه نموده که قابل توجه است و به طور نسبی خواننده را از ویژگی‌ها و قابلیت‌های بنادر آگاه می‌کند. ۲۴۵-۲۰۴

فصل نهم به کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس که با این دریا مرز آبی دارند، پرداخته و اطلاعات خوبی را از تقسیمات جغرافیایی آن‌ها و ویژگی‌های اقلیمی و آب و هوایی و صنایع و معادن نفتیشان به دست می‌دهد. ۲۴۶-۲۸۸

آنچه در زمینه‌ی نقد اثر می‌توان گفت اینکه جامع‌نگری نویسنده در ارائه‌ی مباحث کلیدی و مطرح در منطقه‌ی خلیج فارس؛ قابل تحسین است اما این اثر بیشتر به طور توصیفی به بیان مطالب پرداخته و هیچ پیوندی میان فصول کتاب و مطالب آن برقرار نکرده است. نویسنده در برخی فصول، هماهنگی لازم را میان تصاویر و موضوع فصل برقرار نکرده؛ مثلاً در فصل پنجم «بحران آب»، تصویری از نواحی سرسبز شمال ایران آورده تا به برخوردار بودن نواحی مختلف ایران از نعمت آب اشاره کند یا در فصل چهارم با موضوع تنگه‌ی هرمز، تصویری از کشف نفت در ایران و اولین سکوی استخراج آمده که مرتبط با موضوع فصل سوم «طلای سیاه» می‌باشد. (صفحه ۱۲۲) علاوه بر این؛ عبارت ارجاعی پایین صفحات؛ با مفاهیمی که از عکس‌ها برداشت می‌شود، همخوانی ندارد؛ این بی‌نظمی به وضوح، میان مطالب و تصاویر مشهود است. در مواردی نویسنده از ارائه‌ی برخی اطلاعات جزئی درباره‌ی تصاویر، خودداری نموده و مخاطب نمی‌داند که این تصاویر مربوط به کدام نقطه از ایران می‌باشد. (صفحه ۱۹۲-۲۱۵) به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده مطالب را به شیوه‌ی توصیفی و بدون برقرار نمودن یک نظم سازمانی ارائه نموده و نتوانسته میان بخش‌های کتاب، هماهنگی لازم را برقرار کند.

فصل چهارم این اثر در زمینه‌ی اهمیت تنگه‌ی هرمز و موقعیت جغرافیایی و گذرگاهی آن می‌باشد. در ادامه محدوده‌ی آب‌های ساحلی ایران در تنگه‌ی هرمز مطرح شده و به افزایش اهمیت آن، بعد از کشف و استخراج نفت پرداخته که قابل توجه می‌باشد. نویسنده به لزوم برقراری صلح و امنیت و حفظ ثبات در منطقه به منظور رونق صادرات و حمل و نقل نفت و سایر کالاها اشاره کرده و ایران را به عنوان مهم‌ترین قدرت منطقه در تأمین امنیت آن، مؤثر دانسته است. (صفحه ۱۲۶-۱۲۸)

در فصل پنجم، نویسنده به اهمیت آب در خلیج فارس و کمبود آن در منطقه اشاره کرده و در ادامه به عوامل تشدید کننده‌ی بحران آب در کل جهان و بالاخص خاورمیانه پرداخته که از آن جمله‌اند: افزایش رشد جمعیت، مدیریت غیراصولی، آلودگی آب در خلیج فارس. (صفحه

۱۰۷